

پاسخ سوالات متن درس هشتم

❖ مقایسه کنید صفحه ۸۷

نام مدل	منازعات هویتی در این مدل	راه حل مدل برای حل منازعات
همانند سازی	در این مدل، یکسان سازی هویت‌ها وجود دارد و بر پذیرش هویت گروه مسلط تاکید می‌شود. در نتیجه، خرده فرهنگ‌ها برای حفظ هویت خود با هویت گروه مسلط، منازعه می‌کنند.	در نظام آموزشی و رسانه‌ها، فقط هویت گروه مسلط معرفی می‌شود تا هویت سایر خرده فرهنگ‌ها کم‌رنگ و ضعیف شود. در برخی مواقع نیز از روش‌های خشونت‌آمیز برای حل منازعه استفاده می‌کنند.
تکثرگرا	در این مدل، تنوع و تکثر هویت‌ها مورد پذیرش است. در نتیجه منازعات بین خرده فرهنگ‌های متفاوت رخ می‌دهد. هر یک از این خرده فرهنگ‌ها در تلاش برای گسترش فرهنگ خود و کسب منافع بیشتر با دیگر خرده فرهنگ‌ها دچار منازعه می‌شوند. این امر ممکن است باعث چند پارگی فرهنگی شود.	در نظام آموزشی و رسانه‌ها وجود تکثر و تنوع فرهنگی را به عنوان یک اصل مطلوب در جامعه ارایه می‌کنند. ساختار سیاسی و قانونی را بر مبنای مدل تکثر طراحی می‌کنند. از نظام سیاسی برای حفظ منافع هر یک از خرده فرهنگ‌ها در برابر دیگران بهره می‌گیرند.

❖ بخوانید و نظر دهید صفحه ۸۹

«بی تعارف» در فرهنگ روزمره ایرانی به معنای صریح بودن است. با توجه به معنای لغوی «تعارف» (شناخت متقابل)، به کار بردن واژه «بی تعارف» به معنای عدم شناخت متقابل نیست بلکه کنار گذاشتن برخی محدودیت‌های آداب معاشرت جهت شناخت بیشتر است.

❖ مقایسه کنید صفحه ۹۱

انتقادی	تفسیری	تبیینی	نوع معیار
کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن	کنش‌های اجتماعی و معنای آنها	پدیده‌های اجتماعی همانند پدیده‌های طبیعی	چه چیزی را مطالعه می‌کند؟ (موضوع)
تفسیری، انتقادی و تجویزی	تفسیر (نگاه از درون به پدیده‌ها برای یافتن معنای آن‌ها)	حس و تجربه (نگاه از بیرون)	چگونه مطالعه می‌کند؟ (روش)
انتقاد از وضع موجود، تجویز وضع مطلوب و راه رسیدن به آن	معنابخشی و انسجام بخشی به زندگی اجتماعی	پیش‌بینی و کنترل پدیده‌های اجتماعی	چه هدفی را دنبال می‌کند؟ (هدف)

## توضیح صفحات ۹۱-۸۹ به زبان کمی ساده تر

پس از مطالعه سه رویکرد تبیینی، تفسیری و انتقادی، در این قسمت، رویکرد پسامدرن (در قالب نگرش سیاست هویت) بررسی می‌شود. کتاب ابتدا در صفحه ۸۹ جامعه‌شناسی انتقادی را مرور می‌کند: این جامعه‌شناسی از دل رویکرد تفسیری پدید آمد (درس ۷) و معتقد است ارزش‌ها باید توسط علم بررسی شوند. یعنی داوری علمی ارزش‌ها را قبول دارد. حتی آن را مسئولیت اصلی علوم اجتماعی می‌داند (ظرفیت افشاگری و رهایی بخشی). در غیر این صورت، وضعیت ارزش‌های جامعه به تصمیم و عملکرد ثروتمندان و قدرتمندان جامعه وابسته می‌شود نه نگاه دانشمندان جامعه. جامعه‌شناسی انتقادی، داوری ارزش‌ها را در ارتباط با مفهوم سلطه در روابط انسان‌ها دنبال می‌کند. رویکرد تفسیری، باعث شد جریان دیگری نیز در جامعه‌شناسی پدید آید (رویکرد پسامدرن). در واقع رویکرد تفسیری به دلیل به حاشیه راندن جامعه‌شناسی سختگیر تبیینی، فضا را برای طرح رویکردهای دیگر فراهم کرد.

رویکرد پسامدرن به سیاست هویت باور دارد و طرفدار تفاوت‌ها و تنوع‌ها در بحث هویت و فرهنگ هاست. در دعوی بین علم و غیر علم و اینکه جای ارزش‌ها کجاست؟ نظر جامعه‌شناسی تبیینی، تفسیری و انتقادی متفاوت است که در دروس گذشته بررسی شد. رویکرد پسامدرن دیدگاه متفاوتی با این سه رویکرد جامعه‌شناسی (هر سه مدرن هستند) دارد. پسامدرن، اصل علم را به عنوان یک تکیه‌گاه مطمئن زیر سوال می‌برد. (رویکرد های دیگر تلاش می‌کردند تا تعریف درست تری از حدود علم ارائه دهند) اما پسامدرن معتقد است، خود علم، امری سرکوب‌گر است پس چطور می‌تواند انسان را رها کند؟ یا قابل تکیه باشد؟ سرکوب‌گری علم را این‌گونه اثبات می‌کند که وقتی علم از درست یا غلط بودن امور صحبت می‌کند (مثلا در مورد شکل خانواده یا سبک زندگی یا مصرف و...) باعث سلطه می‌شود. چون کسانی که متفاوت رفتار می‌کنند یعنی از رفتار درست مد نظر علم موجود، پیروی نمی‌کنند به حاشیه رانده می‌شوند و کسانی که طرفدار امر درست اند، قدرت بیشتری در جامعه خواهند داشت. در نگاه پسامدرن درست یا غلط بودن اساسا امری نسبی است و نوعی قضاوت کردن است. این قضاوت از کجا می‌آید؟ قدرت تعیین می‌کند که چه چیزی درست یا غلط باشد. یعنی بین قدرت و دانش در هر جامعه رابطه وجود دارد. مثلا در قرون وسطی، قدرت کلیسا تعیین‌کننده درست یا غلط بود و در دوره تجدد با تغییر قدرت، دانش نیز تغییر کرد (پس علم، معیار مطمئنی برای تکیه کردن یا حتی رها سازی انسان‌ها نیست و تلاش رویکرد های دیگر جامعه‌شناسی (مدرن‌ها) در این مورد بیهوده است. در صفحه ۹۰، نقد پسامدرن‌ها به جامعه‌شناسان مدرن (همان سه رویکرد) بیان می‌شود. پسا مدرن‌ها می‌گویند امکان نگاه جهان شمول (عام و فراگیر) به همه فرهنگ‌ها در علوم اجتماعی وجود ندارد. چون اولاً فرهنگ‌ها و هویت‌های متفاوتی در جهان وجود دارد. ثانياً جامعه‌شناس از نگاه یک فرهنگ به دیگر فرهنگ‌ها نگاه می‌کند. در نتیجه به قضاوت کردن می‌پردازد و برخی را درست و برخی را غلط ارزیابی می‌کند. درست‌ها تحسین می‌شوند و غلط‌ها به حاشیه رانده می‌شوند. در مقابل پسامدرن‌ها این نوع قضاوت را نمی‌پذیرند و به جای آن بر سیاست هویت تاکید می‌کنند یعنی پذیرش همه آن تفاوت‌ها نه درست و غلط دانستن آن‌ها.

این رویکرد باعث شد بسیاری از گروه‌ها مانند فمینیست‌ها، آفریقایی‌تبارها یا آمریکایی‌های بومی خواست و مطالبه جدیدی را مطرح کنند. این که نظریات علوم اجتماعی موجود، آن‌ها را نادیده گرفته است و از نگاه فرهنگ مرد سفید پوست اروپایی به فرهنگ و هویت آن‌ها نگاه می‌کند. در نتیجه زنان، غیر اروپایی‌ها، رنگین پوست‌ها و... به حاشیه رانده شده‌اند (چون متفاوت هستند). در حالی که هر فرهنگی می‌تواند دانشی متناسب با خود تولید کند. مثلا دانش اجتماعی مربوط به فرهنگ سیاه‌پوستان آفریقایی که متفاوت از دانش مربوط به فرهنگ مردان سفید پوست اروپایی است. طرح این موضوع، یک فایده داشت. این که هویت‌ها و فرهنگ‌های سرکوب شده مثل رنگین‌پوستان فرصت ابراز وجود پیدا می‌کنند اما مساله جدیدی را به وجود می‌آورد. اگر مطابق نظر پست مدرن‌ها، بگوییم هر فرهنگی، دانش متناسب با خود را تولید می‌کند (پس دانش تماما محصول شرایط اجتماعی و فرهنگی است)، امکان مقایسه و داوری دانش‌ها از بین می‌رود. چون مثلا آفریقایی‌تبارها دانش خود را از منظر فرهنگ خود درست می‌دانند و اروپایی‌ها نیز دانش خود را درست می‌دانند و پذیرش سیاست هویت باعث می‌شود، نتوانیم قضاوتی انجام دهیم. پس اساسا چیزی به نام شناخت واقعی وجود ندارد (اساسا حقیقتی وجود ندارد).

در پاراگراف آخر صفحه ۹۱، کتاب با طرح سوالات مختلف، رویکرد پسامدرن و طرح سیاست هویت در علوم اجتماعی را نقد می‌کند. سوال اساسی کتاب این است که چرا انسان در شناخت درست از غلط دچار مشکل شده است؟ چه راهی را اشتباه رفته است؟! این سوالات مقدمه‌ای برای طرح رویکرد علوم اجتماعی اسلامی در دروس بعد است.

ذکر این نکته مهم است که رویکردهای جامعه‌شناسی مطرح شده در کتاب، وضعیت خطی ندارند. بلکه تمام رویکردهای مختلف جامعه‌شناسی، همزمان فعال هستند و طرفدارانی دارند. گرچه نسبت به زمان پیدایش خود دچار تغییراتی شده‌اند. بنابراین، نظریات پسامدرن در حالی که مدرن‌ها را نقد می‌کنند، خودشان توسط رویکردهای مدرن جامعه‌شناسی مورد نقد قرار می‌گیرند. جریان علم از دل این مباحثات به جلو حرکت می‌کند.